

علم منطق

درس یازدهم

مباحث استدلال

(حجّت)

از آغاز مباحث این کتاب دانستیم که مهمترین نتایج علم منطق عبارتند از :

الف : ارائه قواعد و قوانین لازم برای تعریف صحیح ؛ یعنی : بیان راه های درست ، برای پی بردن به مجهولات تصوّری در پرتو معلومات تصوّری.

ب : ارائه قواعد و قوانین لازم برای استدلال صحیح ؛ یعنی تبیین روش های درست ، برای آگاه شدن از مجهولات تصدیقی ، در پرتو معلومات تصدیقی.

در مباحث پیشین ، به توضیح بخش اول پرداختیم. اما در این درس و دروس آینده ، به بحث و بررسی پیرامون بخش دوم ، یعنی : مباحث استدلال و اقامه حجّت ، خواهیم پرداخت.

شیوه های استدلال از دیدگاه علم منطق عبارتند از :

- قیاس.

- استقراء.

- تمثیل.

در ابتداء ، به شرح و بیان قیاس می پردازیم ، و سپس مباحث مربوط به استقراء و تمثیل را از نظر گرامی شما می گذرانیم. انشاء الله.

قیاس

قیاس ، عبارت است از : "سخنی متشکل از چند قضیه که مرتبط با یکدیگرند و قبول آن ها ، ذاتا مستلزم سخنی دیگر می باشد".

مثال :

"آهن ، فلز است" ؛ "هر فلز بر اثر حرارت ، منبسط می شود".

نتیجه : پس آهن بر اثر حرارت ، منبسط می شود.

در مثال فوق ، مجموعه متشکل از دو قضیه نخست ، قیاس است؛ و پذیرفته شدن آن ذاتا (یعنی بدون نیاز به مقدمه ای خارجی) ، مستلزم نتیجه یاد شده می باشد.

صغرا ، کبرا و نتیجه

قضایای تشکیل دهنده قیاس را "مقدمه" می نامند. مقدمه در قیاس بر دو قسم تقسیم می گردد :

- صغرا

- کبرا

صغرا ، مقدمه ای است که در بر گیرنده جزئی است که در صد استنباط حکم آن در پرتو قیاس هستیم.

در مثال بالا ، قضیه اول (یعنی : "آهن ، فلز است") ، در بر گیرنده "آهن" است که می خواهیم حکم آن را با استفاده از قیاس یادشده ، بدست آوریم. بنا بر این ، قضیه مذکور ، صغرا نامیده می شود.

کبری ، آن مقدمه ای است که تشکیل دهنده قاعده کلی است که در قیاس ، بر جزئی مورد نظر ، منطبق می شود ، تا حکم آن روشن گردد.

مانند قضیه "هر فلزی بر اثر حرارت ، منبسط می شود".

سخنی را که با اجراء عمل قیاس حاصل می گردد ،
"نتیجه" می نامند. مانند "پس آهن بر اثر حرارت ، منبسط
می شود".

حدود قیاس

حدود قیاس عبارتند از :

- حدّ اصغر

- حدّ اکبر

- حدّ وسط

موضوع نتیجه را "اصغر" ، و محمول آن را "اکبر" می نامند.

بنا بر این ، مقدمه ای که مشتمل بر اصغر است ، صغرای قیاس
است و مقدمه ای که مشتمل بر اکبر است ، کبرای آن.

حدّی که در صغرا و کبری تکرار می شود و موجب ارتباط و پیوند
میان حدّ اصغر و حدّ اکبر می گردد ، "حدّ وسط" نامیده
می شود. مانند "فلزّ" در مثال مذکور.

تقسیم قیاس به اقترازی و استثنایی

قیاس را به اعتبار هیئت و صورت آن ، به دو قسمت تقسیم
نموده اند :

- قیاس اقترازی.

- قیاس استثنایی.

در صورتی که اجزاء عبارتی که نتیجه قیاس را تشکیل می دهند، در مقدمه های آن (یعنی صغرا و کبرا) به طور پراکنده بیان شده باشد ، آن قیاس را اقترانی می نامند.

مثال :

"پیامبران ، انسان هستند".

"هر انسانی می میرد".

نتیجه : "پیامبران می میرند".

در این مثال ، اجزاء تشکیل دهنده نتیجه ، یعنی : "پیامبران" و "می میرند" ، به صورت پراکنده در مقدمه اول و مقدمه دوم ، به صورت پراکنده بیان شده است.

اما در صورتی که عبارت تشکیل دهنده نتیجه یا نقیض آن در مقدمات قیاس به نحو صریح بیان شده باشد ، آن را قیاس استثنایی می نامند.

مثال 1 :

"اگر سعید ، راستگو است ، سخنش پذیرفته است".

"لکن سعید ، راستگو است".

نتیجه : "سعید ، سخنش پذیرفته است".

در این مثال ، نتیجه به صورت صریح ، در مقدمه اول آمده است.

مثال 2 :

"اگر زحل ستاره است ، از خودش نور دارد".

"لکن زحل ، از خودش نور ندارد".

نتیجه : "زحل ، ستاره نیست".

در این مثال ، نقیض نتیجه ، عینا در مقدّمه اول بیان شده است. مقدّمه اول در قیاس مذکور ، یک قضیه شرطیه است. اما مقدّمه دوم ، یک استثناء می باشد.

تقسیم قیاس اقترانی به حملی و شرطی

در صورتی که قیاس اقترانی ، از مقدماتی تشکیل شده باشد که همه آنها قضیه حملیه باشند ، آن قیاس را در اصطلاح ، قیاس حملی می نامند.

مثال :

"مریخ ، سیاره است".

"همه سیاره ها از خود نور ندارند".

نتیجه : "مریخ ، از خود نور ندارد".

اما در صورتی که قیاس اقترانی ، از مقدماتی تشکیل گردد که همه آنها ، یا یکی از آنها قضیه شرطیه باشد ، آن قیاس را "شرطی" می نامند.

مثال 1:

"هرگاه انسان ، پارسا باشد ، راستگفتار است".
"هرکه راستگفتار باشد ، رستگار است".
نتیجه : "هرگاه انسان پارسا باشد ، رستگار است".
مثال 2 :

"آهو ، حیوان است".
"هر حیوان ، یا مذکر است یا مؤنث".
نتیجه : "آهو ، یا مذکر است یا مؤنث".


